

## زادن زرتشت

درین نوشته بگونه ای کوتاه آورده می شود که زرتشت از چه و چگونه ساخته شد و برای چه پا بدین دنیا گذاشت و دلیل مبارزه اش چیست از آنروز که اهریمن بد نهاد به جنگ با هرمزد آغاز کرد ، شش هزار سال گذشته بود و درین مدت، اهرمن دوبار با (آفات و دیوان و تاریکی و بیماری و درد و نیاز و خشم و دروغ) به جهان هورمزد کمین زده و آب و خاک و گیاه و حیوان و مردم را آزار کرده بود. در سه هزار سال سوم، هورمزد برای رهایی ازین آفت ها ، زرتشت را به این گیتی فرستاد و دین و آیینهای خود را به او سپرد تا مردمان را به سوی نیکی راهبری کند و جهان را به راستی و پاکی و آبادانی از شر و بدی اهریمن آزاد گرداند تا پیروزی هورمزد به انجام برسد. در پایان آن سه هزار سال، (رستاخیز) خواهد شد و بدی و زشتی و ناپاکی از میان بر خواهد خاست و دست اهریمن تا ابد از دامان آفریدگان اهورامزدا کوتاه خواهد شد و جهان، پاک و فرخستین را باز خواهد یافت

بنابر گفتارهای زرتشتی ، برای زادن  
زرتشت سه چیز از جهان بالا بهم  
پیوست: نخست، فره ی زرتشت که  
فروغ و شکوه ایزدی بود، دوم روان  
بود و سوم، تن

بنابر گفتارهای زرتشتی ، برای زادن زرتشت سه چیز از جهان بالا بهم پیوست: نخست، فره ی زرتشت که فروغ و شکوه ایزدی بود، دوم روان بود و سوم، تن. اینک بهترست به تشریح هریک ازین سه عنصر و چگونگی همگون شدن آنها برای زایش اشو زرتشت پرداخته شود تا خواننده ای که بتازگی به کاوش در دین زرتشت علاقمند شده است بدانند که خوشحالی و شگفتی زرتشتیان از زایش اشو زرتشت از چه روست.

### فره ی زرتشت

فره ی زرتشت را اهورا مزدا از «روشنایی بیکران» که در «سپهر ششم» بود بنا کرد و از آنجا به خورشید و از آنجا به ماه و از آنجا به سپهر ستارگان که در زیر سپهر ماه بود، فرود آورد. از «سپهر ستارگان» ، فره ی زرتشت به آتشگاه خاندان «فراهیم روان زُیش» فرود آمد. از آن پس ، آتشگاه فراهیم بدون نیازمندی به چوب و همیشه ، پیوسته و با فروغ بسیار می سوخت. فراهیم نیای زرتشت شد و فره ی زرتشت از آتشگاه خانه در وجود زن فراهیم که فرزندی را آبتن بود داخل شد. پس از چندی زن فراهیم دختری بدنیا آورد که نامش را «دغدوا» یا دغدو» گذاردند. دغدوا همچون دیگر کودکان رشد میکرد و چون فره ی ایزدی را در وجود خود داشت چون چراغ میدرخشید و نور می» پراکند.

اهریمنان که از زادن زرتشت بیم  
داشتند ، وسیله انگیختند تا  
فراهیم» و دیگر مردمان گمان  
«کنند که «دغدوا؛ مادر زرتشت  
ازینرو انچنان میدرخشد که با  
جادوگران راه دارد

از دیگر سو، اهریمنان که از زادن زرتشت بیم داشتند ، وسیله انگیختند تا فراهیم و دیگر مردمان گمان کنند که دغدوا ازینرو انچنان

میدرخشد که با جادوگران راه دارد. پس فراهم فریب خورد و دغدوا را از خانه و قبیله ی خویش راند. دغدوا در مسیر آوارگی خود به قبیله ی «سپتمان» رسید و در خانه ی سرور قبیله فرود آمد. پس از چندی دغدو با «پوروشسپ»، فرزند رئیس قبیله ازدواج کرد. بدین گونه بود که فره ی زرتشت از خاندان فراهم به خاندان سپتمان و پوروشسپ، پدر زرتشت رسید

### روان زرتشت

روان زرتشت را هورمزد بگونه ی «ایزدان بهشتی» آفرید. پیش از آنکه زرتشت به جهان زیرین بیاید، روان وی در جهان بالا میزیست. چون زمان زادن زردشت رسید «بهمن» و «اردیبهشت» از ایزدان مینوی و یاوران هورمزد، ساقه ی بلند و زیبایی از گیاه «هوم» را از سپهر ششم که جایگاه روشنایی بیکران است، برگرفتند و بزمین فرود آمدند و آنرا بر سر درختی که دو مرغ بر آن آشیانه داشتند فرود آوردند

**بهمن» و «اردیبهشت» از ایزدان»  
مینوی و یاوران هورمزد، ساقه ی  
بلند و زیبایی از گیاه «هوم» را  
از سپهرششم که جایگاه «روشنایی  
بیکران» است، برگرفتند و بزمین  
فرود آمدند**

مار»ی به آشیانه راه یافت و چوجه ی مرغان را فرو برد. آنگاه ساقه ی هوم، مار را کشت و مرغان را رهایی بخشید. آنگاه روزی «پوروشسپ که تازه دغدوا را بزنی گرفته بود درپی گله به چراگاه رفت. در راه، بهمن و اردیبهشت بر او آشکار شدند و او را بسوی درختی که ساقه ی هوم بر آن بود رهبری کردند. پوروشسپ بیاری این دو مهین-فرشته، ساقه ی مقدس را بدست آورد و آنرا بخانه برد و بزنی خویش سپرد تا آنرا نگاه دارد.

### تن زرتشت

گوهر تن اشو زرتشت از «آب و گیاه» بدست «خورداد» و «امرداد»، دو ایزد دیگر از یاوران هورمزد ساخته شد. خورداد، «ایزد آبها» ست و «امرداد»، «ایزد گیاهان». پس خورداد و مرداد در آسمان، ابر انگیختند و باران فروانی بر زمین بارید. چارپایان و مردمان شاد شدند و گیاهان تازه و خرم گردیدند. مایه ی تن زرتشت، که خورداد و امرداد در باران نشانده بودندش، با قطرات باران بزمین رسید و در دل گیاه جای گرفت.

**«گوهر تن زرتشت از «آب  
و «گیاه» بدست «خورداد» و  
امرداد»، دو ایزد دیگر از  
مایه .یاوران هورمزد ساخته شد  
ی تن زرتشت، که خورداد و  
،امرداد در باران نشانده بودندش  
با قطرات باران بزمین رسید و در  
دل «گیاه» جای گرفت**

آنگاه پوروشسپ براهنمایی خورداد و امرداد، شش گاو پرمایه برداشت و به چراگاه برد. گاوان از گیاهانی که مایه ی تن زرتشت در آنها بود

خوردند. بزودی پستانهای گاوان پرشیر شد و مایه ی تن زرتشت به شیر آنها آمیخت. پوروشسپ گاوان را بخانه برد و به دغدو سپردشان تا آنها را بدوشد. آنگاه زن و شوی اش ، ساقه ی گیاه مقدس هوم را که بیاری بهمن و اردیبهشت بدست آورده بودند ، نرم کردند و در شیر آمیختند و از آن خوردند

بدین گونه؛ روان زرتشت و مایه ی تن وی در وجود دغدوا با فره ی زرتشت گرد آمد و پس از چندی زرتشت برای راهبری دین و آیین هورمزد در ششم فروردینگان از مادرش دغدوا در کنار دریای چی چست ارومیه زاده شد

by: [www.zartosht.persianblog.com](http://www.zartosht.persianblog.com) -bijan-  
[www.far-hang.blogspot.com](http://www.far-hang.blogspot.com) (بلاگ گروهی فرهنگ و اندیشه)

